

زمین

زمین

این مادر جاوید هستی آفرین
که مردم زانند و مردم خورد فرزند آفرین را
نشته روی ببال قرن؟

پوسته
مما پر خد، می گردد
بن آن که سود خسته

۱۰۶

چو خنده از دکن کوه؟ آتش فرو ریزد
چو گریه از سرش بی امان سیداب؟ خیزد
چو خشم آرد در راه قیام نوس، تو فان بر آید

زمین - این مادر هر آفرین

به فرزند خود - انسان نجیب بی آنها دارد
برای او امید و شادی و آب و هوا دارد

پروای روشن
آب پاک

شادی فرزنده

و امید به آینده . . . (۱۱)

۱- مقدمه ایرت از داستان منظم دراماست به نام "پرستو" که آهنگ سازان و باجهت
فناوری آفریننده، برای آن موسیقی ایرانی ساخته و در تالار ایرت با هم صدرالدین عینی
چرا؟ همیشه ایها شد.

صفحه ۱۲۸